

## بررسی، تحلیل و نقد کتاب تاریخ نقد ادبی

ویدا رحیمی نژاد<sup>۱</sup>

(دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۷ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۸، نوع مقاله: پژوهشی)

### چکیده

کتاب درسی مهم ترین وسیله آموزشی جهت تحقق اهداف آموزشی در تمام مراکز آموزشی است. به همین دلیل است که نقد کتاب های درسی از اهمیت زیادی برخوردار بوده و منجر به اثربخشی بیشتر آن ها می گردد. با توجه به ضرورت امر ارزشیابی کتاب های درسی دانشگاهی، پژوهش حاضر کتاب *تاریخ نقد ادبی* (احمدزاده هروری، ۱۳۹۲) را که سازمان «سمت» برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات انگلیسی منتشر کرده است، بر اساس صد ویژگی کتاب های دانشگاهی که در ده مقوله جمع آوری شده اند مورد نقد قرار داده است. روش انجام این پژوهش تحلیل انتقادی است. بررسی ها نشان داد که کتاب مورد نظر دارای نقاط قوت و ضعف هایی است، از جمله نقاط قوت آن «تطابق مطالب ارائه شده در هر فصل کتاب با موضوع هر بخش»، «پاکی نگارش و ادبی» و «انسجام منطقی فصل بندی مطالب» است. نقاط ضعف ها نیز شامل «عدم جامعیت کافی کتاب در حوزه موضوعی خود»، «عدم توجه کافی نویسنده به دلالت های کاربردی» و همچنین «نظریه های یادگیری» است. نتایج پژوهش حاضر نشان دهنده آن است که نویسنده موفق به رعایت کامل اصول ده گانه در کتابش نشده است؛ به همین دلیل کتاب نیاز به بازنگری جهت رفع نقاط ضعف موجود در چاپ جدید دارد تا دانشجویان بتوانند بیشترین استفاده را از کتاب مورد نظر داشته باشند.

واژه های کلیدی: ویژگی های کتاب دانشگاهی، ادبیات انگلیسی، تاریخ نقد ادبی

---

۱. استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، تهران، ایران (vrahiminejad@yahoo.com)، نویسنده مسئول

## Critical Review of the Book *A History of Literary Criticism*

Vida Rahiminezhad<sup>1</sup>

Received: 07/05/2022, Accepted: 09/08/2022

### Abstract

The textbook is the most important educational tool in all educational centers which helps to achieve educational aims. That is why criticizing academic textbooks is essential, because it leads to more effective textbooks. Considering the necessity discussed, the present study intends to criticize the textbook entitled *History of Literary Criticism* (Ahmadzadeh Heravi, 2013) published by "SAMT" publication for undergraduate students of English language and English literature based on one hundred features of academic books that are summarized in the ten categories. In this research, critical analysis method has been used.

The investigations showed that the book in question has strengths and weaknesses. Its strengths include "matching the content presented in each chapter of the book with the topic of each section", "transparency and fluency of writing" and "logical coherence of the chaptering of the content". Its weaknesses include "lack of comprehensiveness of the book in its subject area", "lack of author's attention to practical implications" and also "learning theories". To conclude it should be said that the author has not succeeded in fully observing the ten principles in her book. For this reason, the book needs to be revised to address the shortcomings in order to make it more effective.

**Keywords:** characteristics of academic textbook, English literature, history of literary criticism

---

1. Assistant Professor of Research Institute for Education, Organization for Educational Research and Planning, Iran (vrahiminejad@yahoo.com) (Corresponding Author)

### مقدمه

برنامه‌های درسی اهمیت بسیاری در تحقق اهداف و رسالت‌های آموزش عالی دارند (محمودی، ۱۳۹۱، ص ۷). محققان برای برنامه‌ی درسی تعاریف متفاوتی ارائه داده‌اند که از آن میان می‌توان به تعریف تانر و تانر (ملکی، ۱۳۹۱) اشاره کرد که «برنامه‌ی درسی عبارت است از آنچه آموخته می‌شود». در این بین کتاب‌های درسی و مواد کمکی ابزاری با قدرت در آموزش بوده و همچنان باقی خواهند ماند. در واقع ممکن است فناوری‌های آموزشی مؤثری ظهور کند اما دلیلی وجود ندارد که سیستم آموزشی مدرنی را تصور کنیم که در آن کتاب‌های درسی نقش اصلی را ایفا نمی‌کنند. بنابراین توجه به نقش و عملکرد، محتوا، هزینه و امور مالی کتاب‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (هینمن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶ به نقل از عارف<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰).

این نکته را باید در نظر داشت که در اکثر مراکز آموزشی کتاب محور آموزش یادگیری رسمی است و ارزشیابی دروس در محدوده‌ی کتاب‌های درسی انجام می‌شود (رحمانی و ظفرآبادی، ۱۴۰۰)، به همین دلیل است که بررسی و تحلیل و نقد محتوای کتاب‌های درسی اهمیت ویژه‌ای دارد. بررسی و نقد کتاب کمک می‌کند که محتوای آموزشی مورد قضاوت قرار گیرد و نقاط قوت و ضعف آن مشخص شود و امکان اصلاح را فراهم می‌کند (رمضانی، ۱۳۹۸، ص ۱۲۶).

تدوین محتوای کتاب درسی دانشگاهی معمولاً براساس مواد و سرفصل‌های مصوب شده در دو وزارتخانه‌ی علوم، تحقیقات و فناوری و همچنین وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی توسط استادان متخصص براساس اصول و چارچوب‌های خاصی صورت می‌گیرد. این اصول در شناسایی کتاب خوب و مفید دانشگاهی مؤثر است (رحمانی و ظفرآبادی، ۱۴۰۰).

«تاریخ نقد ادبی» یکی از عناوین مصوب در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است، می‌توان گفت که در طول دهه‌ی گذشته بسیاری از منتقدان ادبی علاقه به تاریخ را در دیسپلین خود گسترش دادند. مطالعه‌ی علوم انسانی به صورت کلی امری تجملی نیست، بلکه ضرورت حیاتی برای بقای ما در تمدنی روشن است. همه‌ی رشته‌های علوم انسانی خواهان مطالعه‌ی دقیق، انتقادی و ارجاع هستند، اما رشته‌ی به‌خصوصی وجود دارد که اصرار زیادی بر

1. Heyneman  
2. Arif

این استراتژی دارد و آن نقد ادبی است. نگاهی به تاریخچه نقد ادبی نه تنها برای مرور مجدد برخی از ژرف ترین منابع هویت ما بلکه برای تجدید ارتباطات با برخی از عمیق ترین منابع امروزی است و همچنین تحقق آینده (حبیب، ۲۰۰۵). از امتیازات تاریخ نقد ادبی آگاهی افراد از سیر تکامل اندیشه است. با وجود گسترش روزافزون نظریه های ادبی، کتاب تاریخ نقد ادبی دارای مطالب پایه است که به بررسی دوره های مختلف ادبی می پردازد (هال<sup>۱</sup>، ۱۹۶۹). تاریخ نقد ادبی یک دیدگاه معتبر نسبت به جنبش ها، شکل ها و متون نقد ادبی می دهد و همچنین جست و جویی در فرهنگ، تاریخ و فلسفه بافت هاست. تاریخ نقد ادبی پیش زمینه فرهنگی، تاریخی و فلسفی نقد ادبی در هر دوره را تدارک می بیند، دانشجویان را قادر به دیدن چگونگی توسعه نقد ادبی در بافت می کند، و ترتیب وقوع دیدگاه های مختلف نقد ادبی را مشخص می کند (حبیب<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵).

هدف پژوهش حاضر بررسی و نقد کتاب تاریخ نقد ادبی (احمدزاده هروی، ۱۳۹۲) از طریق معیار ده گانه منصوریان (۱۳۹۲) است تا بدین طریق شناسایی نقاط قوت و ضعف این اثر که مخاطبان آن دانشجویان رشته زبان و ادبیات انگلیسی در مقطع کارشناسی است فراهم و در نهایت راهکارهایی مناسب جهت بهبود کیفیت کتاب ارائه شود. سؤال های پژوهشی با توجه به معیارهای ده گانه منصوریان به شرح زیر است:

- آیا مؤلف در رعایت شاخص های تخصص گرایی و هدفمندی موفق بوده است؟
- توان نظری و دلالت های کاربردی به چه صورت در کتاب مورد توجه قرار گرفته است؟

- توان استنادی و ماهیت میان رشته ای در کتاب به چه صورت است؟
- وضعیت کتاب از نظر جامعیت و روزآمدی کتاب چگونه است؟
- پاکیزگی نگارشی و ادبی در کتاب به چه صورت است؟
- آیا کتاب از انسجام و یکپارچگی محتوایی و ساختاری برخوردار است؟
- همخوانی کتاب با نظریه های یادگیری به چه صورت است؟
- شیوه برقراری ارتباط مؤلف با مخاطب (ماهیت تعاملی و توان انگیزشی) به چه صورت است؟

- ویژگی های فیزیکی و ظاهری کتاب چگونه است؟

## مبانی نظری

کتاب درسی مهم‌ترین منبع در کلاس درس برای یاددهی و یادگیری است. دانشجو و استاد از کتاب‌های درسی به‌عنوان راهنمای دستورالعمل استفاده می‌کنند. کتاب درسی شامل مطالب نوشتاری است که به‌صورت نظام‌مند تهیه شده است و به دانشجو کمک می‌کند تا به همراه مطالبی که استاد بیان می‌کند، درس را بفهمد (سراسی و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین نقد کتاب‌های درسی از مؤثرترین روش‌های سنجش کیفیت متن و مشخص کردن نقاط قوت و ضعف کتاب است. «پویایی و اثربخشی از ویژگی‌های بارز نقد است که ضرورت دارد در فضایی سالم و با بهره‌گیری از روش‌های مدون صورت گیرد». اهمیت نقد با افزایش حجم منابع و متون مشخص می‌شود و در واقع ارزیابی زیربنای معرفت‌شناختی آدمی را تقویت می‌کند. انتقاد آثار مکتوب و روبه‌رو شدن با آرای مختلف، تعامل و ارتباط بین متخصصان را افزایش می‌دهد، حتی ممکن است که جهت پویایی، متن جدید نوشته شود. منتقدکنندگان با بهره‌گیری از «توانایی‌های شناختی<sup>۱</sup> و ادراکی<sup>۲</sup>» منابع را نقد می‌کنند و از این طریق نقش مهمی در اصلاح اطلاعات علمی و افزایش کیفیت مطالب را به عهده دارند (درودی، ۱۳۹۲). از طرفی اصنافی و همکاران (۱۳۹۹)، به‌نقل از آرمنند و همکاران، (۱۴۰۰) در بررسی معیارهای ارزیابی کتاب‌های تخصصی علوم انسانی به این نکته اشاره کرده‌اند که ارزیابی کتاب‌ها و توجه به معیارهای رتبه‌بندی منابع برای ناشران از جهت تولید منابع با کیفیت می‌تواند مفید واقع شود.

موضوع نقد و نظریه ادبی «یونانی تبار (به اعتبار خاستگاه و ریشه‌ها)، آلمانی محور (از حیث بنیادهای فلسفی) و اروپا محور (با محوریت فرانسه)» است. بیشتر کتاب‌های نقد ادبی با وجود همه تفاوت‌ها از رویه مشخصی برای طرح و بررسی جریان‌ها و نظریه‌ها پیروی می‌کنند. به این معنا که پس از معرفی موضوع از فرمالیسم و نقد نو شروع می‌کنند و پس از مرور ساختارگرایی و جریان‌های پساساختارگرایی به نظریه‌های پایانی قرن بیستم می‌پردازند. این مقدمه نشان می‌دهد که نظریه و نقد ادبی امور مدرنی نیستند که فقط به قرن بیستم متعلق باشند. رنه ولک در کتاب *تاریخ نقد جدید*<sup>۳</sup> و مجموعه نه جلدی *تاریخ نقد ادبی کیمبریج*<sup>۴</sup> و چندین اثر دیگر به‌وضوح سیر نظریه و نقد ادبی را از یونان تا دوره معاصر

1. cognitional

2. conceptual

3. René Wellek

4. The Cambridge History of Literary Criticism

مورد بررسی قرار داده است و تأیید کننده این نکته هستند (نیکویی، ۱۳۹۸).

هرچند بحث تاریخ نقد ادبی دارای پیشینه است، اما تاکنون پژوهشی با موضوع مقاله حاضر که به بررسی و نقد کتاب دانشگاهی *تاریخ نقد ادبی در رشته زبان و ادبیات انگلیسی* پرداخته باشد وجود ندارد، حتی به گفته امن‌خانی (۱۳۹۷) در ادبیات فارسی نیز تاریخ نقد ادبی پیشینه چندانی ندارد و گویا اولین فردی که تاریخ نقد ادبی را در ایران نوشت عبدالحسین زرین‌کوب (۱۳۶۱) بوده است. با این وصف می‌توان به پژوهش‌هایی که تا حدی نزدیک به موضوع مورد بحث این مقاله است اشاره کرد. برای مثال ساجدی (۱۳۷۹) به نقد کتاب *مکتب‌های ادبی اثر رضا سیدحسینی* (۱۳۷۶) پرداخته است که از نقاط قوت آن معرفی مکتب‌های مختلف به همراه اثر ادبی مرتبط است. همچنین دقت نگارنده در ترجمه اثر نقطه قوت دیگر این اثر است. از دیگر پژوهش‌های نزدیک به موضوع این بحث، پژوهش عابدی جزینی (۱۳۹۹) است که به نقد کتاب *تاریخ النقد الادبی فی الاندلس* به نگارش رضوان‌الدایه با تکیه بر روش تحلیلی - توصیفی پرداخته است. از جمله نقاط قوت این کتاب را بیان تاریخچه نقد ادبی و نظریات و رویکردهای نقدی این دوران دانسته و توجه نکردن به گزینش یک روش تحقیق علمی صحیح و نداشتن ایجاز، اشکالات تاپیی و نگارشی را نقاط ضعف این اثر معرفی کرده است.

کتاب پیش‌رو با عنوان *تاریخ نقد ادبی* اثر شیده احمدی‌زاده هروی که شامل ۱۵۳ صفحه از انتشارات سمت است در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده است. این کتاب دارای مقدمه و پنج بخش و منابع است. بخش‌های مختلف کتاب براساس دوره‌های مختلف نقد، تنظیم شده‌اند و شامل نقد کلاسیک، رنسانس و کلاسیک جدید، دوره رمانتیک و ویکتوریا، نقد مدرن و نقدهای اخیر است. هر بخش دارای چند فصل است. در ابتدای هر فصل نکاتی که قرار است در فصل مورد نظر مورد بحث قرار گیرد، ذکر شده است. در انتهای هر فصل دو بخش وجود دارد، «سؤالاتی برای بحث بیشتر» تا در جهت به تقویت تفکر انتقادی در دانشجویان و سپس «منابعی برای مطالعه بیشتر». عناوین بخش‌ها و فصل‌های مختلف موجود در هر بخش به شرح زیر است:

جدول ۱ تعداد و عنوان بخش‌ها و فصول

شماره بخش	عنوان هر بخش	عناوین فصل‌ها در هر بخش
اول	نقد کلاسیک <sup>۱</sup>	افلاطون <sup>۲</sup>
		ارسطو <sup>۳</sup>
		هوراس و لانجینوس <sup>۴</sup>
دوم	نقد رنسانس و نئو کلاسیک <sup>۵</sup>	سر فیلیپ سیدنی <sup>۶</sup>
		جان دردن و الکساندر پوپ <sup>۷</sup>
		ساموئل جانسون <sup>۸</sup>
سوم	نقد رمانتیک و ویکتوریا <sup>۹</sup>	ویلیام وردسورث <sup>۱۰</sup>
		ساموئل تیلور کلریج <sup>۱۱</sup>
		متیو آرنولد <sup>۱۲</sup>
چهارم	نقد مدرن <sup>۱۳</sup>	تی. اس. الیوت <sup>۱۴</sup>
		نقد مدرن
		نقد جدید <sup>۱۵</sup>
پنجم	نقدهای اخیر <sup>۱۶</sup>	ساختارگرایی <sup>۱۷</sup> (تزو تان تودوروف <sup>۱۸</sup> ، جرارد جنت <sup>۱۹</sup> ، جان اتان کالر <sup>۲۰</sup> )
		پساساختارگرایی <sup>۲۱</sup> (ژاک دریدا <sup>۲۲</sup> ، ژاک لاکان <sup>۲۳</sup> ، میشل فوکو <sup>۲۴</sup> )

1. classical criticism
2. Plato
3. Aristotle
4. Horace and Longinus
5. renaissance and neoclassical criticism
6. Sir Philip Sidney
7. John Dryden and Alexander Pope
8. Samuel Johnson
9. romantic and victorian criticism
10. William Wordsworth
11. Samuel Taylor Coleridge
12. Matthew Arnold
13. modern criticism
14. T. S. Eliot
15. new criticism
16. structuralism
17. Tzvetan Todorow
18. Gerard Genette
19. Jonathan Culler
20. post-structuralism
21. Jacques Derrida
22. Jacques Derrida
23. Jacques Lancan
24. Michel Foucault

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، بخش‌های یک تا چهار دارای سه فصل هستند، ولی بخش پنج شامل دو فصل است.

### روش

همان‌طور که قبلاً ذکر شد تاکنون نقدی بر کتاب *تاریخ نقد ادبی* نوشته نشده و در دسترس پژوهشگر حاضر قرار نگرفته است. به همین دلیل پژوهش حاضر بر آن است که از طریق روش تحلیل انتقادی با توجه به شاخص‌های ده‌گانه منصوریان (۱۳۹۲) که با نگاهی جامع به صد نشانگر ارزیابی کتاب‌های دانشگاهی اثربخش اشاره کرده است، به ارزیابی کتاب مذکور پرداخته و نقاط قوت و ضعف کتاب را شناسایی و پیشنهاد‌های لازم را جهت اصلاح ارائه دهد.

در توضیح روش تحلیل انتقادی می‌توان چنین گفت که واژه «نقد» قرابت نزدیکی با واژه انتقاد کردن دارد. در حیطه علوم و هنر انتقاد، بیانگر تفکر انتقادی و ارزیابی است که به مهارت عقلانی پیشرفته وابسته است. این نوع نقد محاسن، معایب و اهمیت موضوع را بررسی و قضاوت می‌کند. این قضاوت در سایه مقایسه با موضوعات قبلی انجام می‌شود. فرایند «تحلیل انتقادی» شامل پنج گام درک مطلب، مقایسه، تحلیل، ارزشیابی و دسته‌بندی مفهومی است. افراد مجرب معمولاً این گام‌ها را به سرعت و هم‌زمان طی می‌کنند (آصف‌زاده، ۱۳۸۷).

جهت «تحلیل انتقادی» در ابتدا کتاب *تاریخ نقد ادبی* با دقت مطالعه شد تا مطلب مورد بحث آن کاملاً درک شود. سپس بخش‌های مختلف کتاب با شاخص‌های ده‌گانه منصوریان مقایسه و مورد تحلیل قرار گرفت. پس از آن از طریق ارزشیابی، جنبه‌های مختلف کتاب مورد قضاوت قرار گرفت و نقاط قوت و ضعف آن مشخص شد. این نقاط با توجه به شاخص‌های مورد نظر دسته‌بندی مفهومی و ارائه شدند و در نهایت پیشنهاداتی نیز جهت رفع نقاط ضعف تدوین شد.

شاخص‌های ده‌گانه منصوریان (۱۳۹۲) شامل تخصص‌گرایی و هدفمندی موضوعی، توان نظری و دلالت‌های کاربردی، توان استنادی و ماهیت میان‌رشته‌ای، جامعیت و روزآمدی، صلاحیت و کارنامه پدیدآورندگان، پاکیزگی نگارشی و ادبی، انسجام محتوایی و ساختاری، همخوانی با نظریه‌های یادگیری، ماهیت تعاملی و توان انگیزشی و ویژگی‌های فیزیکی و ظاهری است.



## یافته‌ها

ارزیابی کتاب *تاریخ نقد ادبی* با استفاده از معیارهای ده‌گانه منصوریان (۱۳۹۲) به شرح زیر است:

### ۱. تخصص‌گرایی و هدفمندی موضوعی

کتاب درسی دانشگاهی بایستی تخصصی و هدفمند باشد. معیار تخصصی بودن و هدفمندی، کتاب‌های درسی را از سایر کتاب‌ها مجزا می‌کند. منظور از تخصصی بودن محور قرار دادن یک موضوع خاص است و هدفمندی کتاب درسی نیز بر این نکته تأکید دارد که یک کتاب دانشگاهی هدفی صریح و روش را دنبال می‌کند (منصوریان، ۱۳۹۲). کتاب حاضر در پنج بخش به نگارش درآمده است. بخش‌های مختلف هر بخش مرتبط با موضوع کتاب تاریخ نقد ادبی است و عناوین و مطالب موجود در هر فصل کتاب با موضوع هر بخش مطابقت دارد و هدف هر فصل را دنبال می‌کند. سایر کتاب‌های تاریخ نقد ادبی نیز دارای همین فصل‌بندی بوده‌اند و در نهایت می‌توان گفت که کتاب موجود با آثار مشابه در این زمینه تفاوت چندانی ندارد و نوآوری در آن دیده نمی‌شود.

### ۲. توان نظری و دلالت‌های کاربردی

کورت لوین اظهار می‌کند که «هیچ چیز کاربردی‌تر از یک نظریه خوب نیست». این جمله تضاد بین دو عرصه نظر و عمل را نشان می‌دهد و بر این واقعیت تأکید دارد که هر عملکرد موفقیتی باید یک پشتوانه نظری محکمی داشته باشد (منصوریان، ۱۳۹۲). البته سهم مباحث نظری و کاربردی در کتاب‌های مختلف حوزه‌های درسی متفاوت تعریف می‌شود. کتابی که در زمینه فلسفه یا اخلاق است، به احتمال زیاد محور اصلی مطالب آن مربوط به درج نظرات فیلسوفان و شرح و تفسیر آنان خواهد بود و کتابی که در مورد آموزش قواعد زبان باشد، به شیوه یادگیری قواعد دقت خواهد کرد (رحمانی و ظفرآبادی، ۱۴۰۰). جهت ارزیابی توان نظری و کاربردی منصوریان (۱۳۹۲) شاخص‌هایی را مانند «سهم مبانی نظری در حوزه موضوعی کتاب»، «استاد هوشمندانه نویسنده به نظریه‌های مرتبط به موضوع، استفاده از منابع نظری دست‌اول، میزان ایجاد ارتباط بین دو حوزه نظر و عمل و غالب بودن رویکرد عملی و ارائه مثال‌های کافی از دلالت‌های کاربردی مطالب در متن را ذکر می‌کند. در کتاب *تاریخ نقد ادبی* به آرا و استدلال‌های منتقدان پرداخته شده است،

درعین حال شواهدی وجود دارد که نشانگر آگاهی نویسنده به استفاده از دلالت‌های کاربردی در تدوین کتاب است، برای مثال بخش «سؤالانی برای بحث بیشتر»<sup>۱</sup> که در انتهای فصل آمده است. این امر آگاهی نویسنده بر روش‌های آموزشی جدید «یادگیری مبتنی بر پرسش» را نشان می‌دهد. این نکته توسط منصوریان (۱۳۹۲) نیز تأیید شده است. بررسی نشان داد که درنهایت نویسنده تا حد زیادی در بخش نظری موفق بوده است، اما در بخش کاربردی چندان موفق چندانی نداشته است.

### ۳. توان استنادی و ماهیت میان‌رشته‌ای

از نظریه‌های معتبر در نگارش آثار علمی «نظریه بینامتنیت» است. براساس این نظریه بدون توجه به آرا و اندیشه‌های دیگران نمی‌توان اثری به وجود آورد (آلن، ۱۳۸۵). منصوریان (۱۳۹۱) در تأیید آلن اظهار می‌کند که هیچ کتاب یا مقاله‌ای نمی‌تواند در فضای خالی تولید شود، «این شیوه نگرش به آثار علمی نه ممکن است و نه مطلوب».

مسلماً مؤلف در نگارش کتاب حاضر از منابع پیشین در این موضوع استفاده کرده است. در دهه‌های گذشته آثار ارزنده‌ای درمورد تاریخ نقد ادبی به نگارش درآمده است. احمدزاده هروی (۱۳۹۲) نیز به سهم خود از آثار معتبر و مرتبط پیشین از قبیل وارینگتون<sup>۲</sup>، وردزورث<sup>۳</sup>، لانجاینس<sup>۴</sup>، دی ان اسمیت<sup>۵</sup>، درایدن<sup>۶</sup>، کالریج و پی کاک<sup>۷</sup> استفاده کرده است. اشراف نویسنده به تاریخ نقد ادبی باعث شده است که در حین نگارش هر فصل به مشترکات و متمایزات منتقدان فصل‌های قبلی اشاره و چگونگی تحول نقد ادبی را به روشنی برای دانشجویان مطرح کند، برای مثال در فصل چهار صفحه ۳۶ پاراگراف دوم هنگامی که سیدنی را معرفی می‌کند به تفاوت‌ها و شباهت‌های نظرات او با افلاطون و ارسطو به وضوح با زبانی ساده و قابل فهم برای دانشجویان مقطع کارشناسی اشاره می‌کند، به عبارتی نظرات منتقدان قبلی را مورد تحلیل و انتقاد قرار داده است.

بررسی‌های انجام گرفته نشان داد که نویسنده در نگارش بعضی از فصول فقط از

- 
1. Questions for Further Discussion
  2. Warrington
  3. Wordsworth
  4. Longinuous
  5. Smith
  6. coleridge
  7. Peacock

نظرات یک نویسنده مشخص استفاده کرده است، هرچند که در انتهای هر فصل به منابع دیگری نیز اشاره کرده است. ارجاعات نه تنها در داخل متن بلکه در انتهای هر فصل و با استفاده از روش MLA را به صورت دقیق ذکر کرده است. همچنین بخشی با عنوان «فهرست منابع» در انتهای کتاب وجود دارد که کتاب‌ها به صورت منظم با ترتیب حروف الفبا ذکر شده است. اما مسئله آن است که پاراگراف‌هایی در بعضی از فصل‌ها مشاهده شده است که مرجع آن مشخص نبوده و معلوم نیست که نویسنده با ارجاع به کدام نویسنده، پاراگراف مذکور را به رشته تحریر درآورده است، برای مثال صفحه ۲۰ پاراگراف اول، صفحه ۲۰ پاراگراف اول، صفحه ۲۲ پاراگراف اول.

#### ۴. جامعیت و روزآمدی

منصوریان (۱۳۹۲) جامعیت را پرداختن کتاب به وجوه مختلف و مرتبط با موضوع می‌داند. با توجه به اهداف کلی کتاب و فرعی سرفصل هر درس جامعیت یک اثر قابل بررسی است، بنابراین براساس سرفصل درس تاریخ نقد ادبی این کتاب تا حدی فاقد جامعیت کافی در حوزه موضوعی خود است، چراکه نویسنده (احمدزاده هروی، ۱۳۹۲) در کتاب خود به مباحث فمینیسم و سبک‌شناسی اشاره‌ای نکرده است. نویسنده کتاب حاضر مؤلفان کتاب‌های هسته مرتبط با موضوع کتاب را می‌شناخته و از آثار افرادی چون حبیب<sup>۱</sup> (۲۰۰۵)، ریچارد داتون<sup>۲</sup> (۱۹۸۴) و رنه ولک و وارن<sup>۳</sup> (۱۹۷۰) و همچنین دیوید داچز (۱۹۸۷) نام برده است، اما در مقایسه با کتاب‌های هسته، نویسنده کتاب حاضر گامی فراتر برنداشته است و این آرایش مطالب و فصول در کتاب‌های قبلی نیز مشاهده شده است. تنها تفاوت این اثر با سایر کتاب‌های مرتبط همان‌طور که نویسنده در مقدمه ذکر کرده است، در این است که زبان انگلیسی مورد استفاده ساده و روان است، به نحوی که امکان درک مباحث پیچیده نقد برای دانشجویان میسر شده است.

با توجه به اینکه کتاب حاضر (احمدزاده هروی، ۱۳۹۲) چاپ دوم است، از منابع جدید و روزآمد بهره نبرده است. البته باید توجه داشت که مفهوم به‌روزآمدی در رشته‌های علوم انسانی متفاوت از رشته‌های علوم تجربی و مهندسی است، هرچند که منابع این کتاب به‌روز نیستند، ولی موضوع کتاب همچنان مبنای بحث و بررسی بسیاری از

1. Habib  
2. Richard Dutton  
3. Rene Welleck and Warren

اندیشمندان است. در مقدمه نویسنده اظهار کرده است که یکی از دلایل تألیف کتاب *تاریخ نقد ادبی* قدیمی و منسوخ بودن کتاب‌های تألیف‌شده قبلی در این زمینه است، در حالی که خود این کتاب *تاریخ نقد ادبی* در سال ۱۳۹۲ (۲۰۱۳) برای دومین بار به چاپ رسیده است و از ۱۵۰ منبع ذکر شده در فهرست منابع فقط هفت منبع مربوطه به دهه ۲۰۰۰ (۲۰۰۱-۲۰۰۶) است.

بررسی کتاب *تاریخ نقد ادبی* نشان داد که در نگارش آن از مجلاتی که بیشترین آثار مرتبط به موضوع تاریخ نقد ادبی را منتشر کرده باشد یا به عبارتی از مجلات هسته استفاده‌ای نشده است. این نکته از آن جهت اهمیت دارد که آشنایی دانشجویان با مجلات هسته موجب صرفه‌جویی در وقت و هزینه می‌شود و بسیار اقتصادی و منطقی است (منصوریان، ۱۳۹۲).

##### ۵. صلاحیت و کارنامه پدیدآورنده

یکی از مواردی که در موفقیت هر اثر مؤثر است، تخصص نویسنده است. در واقع سابقه آموزشی و پژوهشی نویسنده عامل بسیار مهمی در تعیین کیفیت کتاب است. عامل دیگر تعیین‌کننده مطلوبیت یک کتاب، ناشران باتجربه و موفق کتاب‌ها هستند. این ناشران به‌منزله مشاوران نویسندگان هستند و در حین نگارش هر کتاب می‌توانند به‌عنوان مشاور توصیه‌های ارزشمندی را در اختیار نویسندگان قرار دهند (منصوریان، ۱۳۹۲). با نگاهی به سابقه آموزشی و پژوهشی شیده احمدزاده هروی، نویسنده کتاب *تاریخ نقد ادبی*، متوجه می‌شویم که او دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی در دانشگاه شهید بهشتی است و نویسنده کتاب *دگرگونی نوستالژیک در ادبیات مهاجرت ایران* (۱۳۹۱) و مترجم کتاب *دانشنامه زیباشناسی* (۱۳۸۴) است. احمدزاده هروی همچنین چندین مقاله علمی به نگارش درآورده است که از آن جمله می‌توان به «نقش زبان و بالقوگی در آثار نمایشی ریچارد فورمن» (۱۳۹۴)، «خوانشی پسااستعماری از آرمان شهر سر توماس مور» (۱۳۹۲) و «بررسی بحران هویت در رمان دل‌بند اثر تونی موریسون» (۱۳۹۱) اشاره کرد. کارنامه ایشان در حد مطلوبی با موضوع کتاب موردبررسی همخوانی دارد، هرچند که این اثر اولین کتاب در زمینه تاریخ نقد ادبی اوست. با توجه به این که احمدزاده هروی بعد از چاپ کتاب *تاریخ نقد ادبی*، مقالات دیگری در مورد نقد ادبی به چاپ رسانده است مانند «میهن خیالی و قانون اساسی یک هویت جمعی در تجربیات دیاسپوریک: تحلیلی از صد حس پنهان اثر

امی تان»<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) و «به سوی تعریفی تازه از بدن: تحلیل مسئله بدن از فلسفه و جامعه‌شناسی تا ادبیات» (۱۳۹۷) این نکته نشانگر مطلوب بودن تجربه عملی و علمی او در موضوع بوده و همچنین حاکی از آن است که احمدزاده هروی برپایه تجربیات خود در تدریس دروس ادبیات زبان انگلیسی کتاب را تدوین کرده است. مضاف بر این، همکاری نویسنده با «سازمان سمت» که ناشر موفق در زمینه کتاب‌های درسی دانشگاه‌های است، نیز نکته مثبت دیگر کار نویسنده است.

#### ۶. پاکیزگی نگارشی و ادبی

موفقیت هر کتاب به شفافیت، سادگی و سلاست نثری در انتقال مفاهیم آن وابسته است. نثر هر کتاب «کارآمد و اثربخش» خواننده را به مطالعه تشویق می‌کند و با کم‌ترین واژه‌های ممکن بیشترین آگاهی را به خواننده می‌دهد. یک کتاب کارآمد با استفاده از پیچیدگی‌های غیرضرور مخاطب را از خواندن پشیمان نمی‌کند و موجب سردرگمی او نمی‌شود. در واقع شیوه نگارش یک کتاب دانشگاهی بایستی به صورتی باشد که خواننده با کم‌ترین ابهام اصل مطلب را درک کند (منصوریان، ۱۳۹۲). با توجه به این که مخاطب کتاب حاضر دانشجویان مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات انگلیسی است، نویسنده بایستی از به کار بردن جملات طولانی پرهیز کند تا خواننده به راحتی مطلب مورد نظر را درک کند. در بررسی کتاب *تاریخ نقد ادبی* مشاهده شد که هرچند که موضوع ارائه شده پیچیده است در اکثر مواقع نویسنده سعی کرده که با جملات نه‌چندان بلند، به صورت صریح و روشن مطلب را بیان کند، اما گاهاً جملات طولانی در متن کتاب دیده شد. بررسی نشان داد که تعداد جملات سه خطه در کتاب به مراتب زیاد است، برای مثال جملات موجود در صفحه ۱۲۵. هرچند تعداد جملاتی که به طول سه خط هستند، زیاد است، اما روانی زبان استفاده شده باعث شده که مشکلی در فهم مباحث به وجود نیاید. جملاتی به طول چهار خط و پنج خط نیز در صفحات ۱۲۹ در پاراگراف اول و پاراگراف دوم نیز دیده شد و طولانی‌ترین جملات در صفحه ۸۸ و ۸۹ به طول شش خط است. در کل می‌توان گفت که متن کتاب به زبان معیار نوشته شده، اما وجود جملات طولانی به سلاست و روانی مطلب خدشه وارد کرده است و فهم مطالب برای دانشجویان

1. Imaginary 'Homeland' and Constitution of a Collective Identity in Diasporic Experiences: An Analysis of *The Hundred Secret Senses* by Amy Tan

این مقطع را مشکل می‌کند. نکته دیگر آن که در بخش اول با عنوان «نقد کلاسیک» فصلی با عنوان «هوراس و لانجینس» دیده می‌شود که تاریخ مرگ هوراس به اشتباه «68 B. C.» درج شده است در حالی که «8 B. C.» صحیح است. قسمتی از فصل سوم بخش اول (ص ۲۵) به نظرات هوراس اختصاص یافته است. در این قسمت، از کتاب هوراس با عنوان «Ars Poetica» نام برده شده است (ص ۲۵). اما در صفحه بعد نویسنده از کتابی با عنوان «Art of Poetry» نام می‌برد (ص ۲۶) که نویسنده آن را نیز هوراس می‌داند. در واقع این دو عنوان به یک کتاب اشاره دارند که نویسنده با استفاده از دو عنوان متفاوت بدون هیچ توضیحی، سردرگمی دانشجویان را موجب شده است. نکته دیگر آن که عناوین مقالات و کتاب‌ها با فونت ایتالیک نوشته شده است، فقط یک مورد در فصل دهم با عنوان «تی. اس. الیوت» دیده شده است که با فونت ایتالیک نوشته نشده است.<sup>۱</sup>

با توجه به نکات ذکر شده می‌توان گفت که نویسنده اصول نگارش را با دقت لازم رعایت کرده است، ولی عاری از اشتباهات متنی نیست.

#### ۷. انسجام و یکدستی محتوایی و ساختاری

یک متن علمی لازم است که از دو مؤلفه «انسجام»<sup>۲</sup> و «یکدستی»<sup>۳</sup> برخوردار باشد. منظور از «انسجام پیوند منطقی میان مطالب خرد و کلان یک متن است». نگارش یک کتاب باید به نحوی باشد که خواننده بتواند پیوستگی کلام نویسنده را دریابد و موضوع را دنبال کند. این انسجام هنگامی به وجود می‌آید که میان جمله‌های یک پاراگراف و پاراگراف‌های یک فصل و همچنین فصول یک ارتباط منطقی وجود داشته باشد. این چنین متنی مانع احساس سردرگمی دانشجویان می‌شود. منظور از «یکدستی» به شکل ظاهری کلمات اشاره دارد. برای مثال اگر واژه «سیستم» در یک کتاب استفاده می‌شود از کلمه دیگری مانند «نظام» استفاده نشود و تا پایان اثر از همان کلمه «سیستم» استفاده شود (منصوریان، ۱۳۹۲).

در بررسی کتاب حاضر مشاهده شد که میان جملات و پاراگراف‌های هر فصل وحدت معنایی و یکپارچگی محتوایی وجود دارد، اما نحوه چینش فصول دارای ویژگی یکدستی نبوده است، چرا که همه بخش‌ها دارای سه فصل هستند، در حالی که فصل پنجم

1. "Tradition and Individual Talent" (p. 93)

2. coherence

3. consistency

دارای دو فصل است. از سویی دیگر فصل‌های بخش یک، دو و سه با عنوان نام منتقد نام‌گذاری شده است، در حالی که در بخش چهار و پنج این رویه تغییر کرده است. در بخش چهار دو فصل آن با عنوان «نقد مدرن» و «نقد نو» است و در بخش پنج دو فصل با عنوان «ساختارگرا» و «پساساختارگرا» است. بنابراین می‌توان چنین گفت که هر چند وحدت معنایی و یکپارچگی محتوایی در کتاب وجود دارد، اما نویسنده ویژگی «یک‌دستی» را در چینش فصول به صورت کامل رعایت نکرده است.

#### ۸. همخوانی با نظریه‌های یادگیری

کتاب دانشگاهی بایستی ماهیتی آموزشی داشته باشد تا دانش یا مهارت مشخصی را به خواننده بیاموزد. بنابراین شیوه بیان نویسنده بایستی به گونه‌ای باشد که با نظریه‌های یادگیری و توصیه‌های عملی این نظریه‌ها سازگار باشد. هر چند منصوریان به نظریه یادگیری خاصی اشاره نکرده است، اما با توجه به توان ذهنی دانشجویان مخاطب و ماهیت درس می‌توان نظریه «یادگیری اکتشافی» جروم برونر را برای بررسی کتاب حاضر مورد استفاده قرار داد. برونر معتقد است نباید مستقیماً یادگیرندگان را با دانسته‌ها مواجه کرد، بلکه مسئله‌ای در مقابل آنان قرار داد که با کشف روابط خود، راه حل مسئله را دریابند. می‌توان گفت که نویسنده در امر «توان نظری» چندان موفق نبوده است. نویسنده حاضر ابتدا دانسته‌ها را ارائه داده و سپس در انتهای هر فصل بخشی را به «سوالاتی برای بحث بیشتر» اختصاص داده است. برونر اعتقاد داشت که برنامه درسی باید به اندازه‌ای سازمان یافته و منظم باشد که شاگرد را به فعالیت وادارد، به نحوی که خود آن‌ها به دنبال کشف پاسخ برآیند، چرا که اگر پاسخ مستقیماً در اختیار آن‌ها قرار داده شود، آنان به کتاب و معلم متکی می‌شوند و خود تلاشی نخواهند کرد و در نهایت رضایت خاطر از یادگیری به دست نخواهند آورد و انگیزه‌های یادگیری در آن‌ها ضعیف خواهد شد (سیف، ۱۳۹۳، ص ۳). در مورد توان استنادی، نویسنده تاحدی موفق بوده است، چرا که پاراگراف‌هایی در متن ارائه شده است، بدون آن که اشاره‌ای به مرجع آن شود. از طرفی این کتاب ماهیت میان رشته‌ای دارد و می‌تواند برای رشته مترجمی زبان انگلیسی به عنوان کتاب درسی مورد استفاده قرار گیرد. در واقع کتاب مجموعه‌ای از داده‌های مرتبط با موضوع درس است که زمینه‌ای برای تعامل دانشجو برای اندیشیدن بیشتر به مباحث درس را با ارائه سوالات در انتهای هر فصل میسر می‌سازد. این عامل موجب افزایش اثر کتاب در پویایی

ذهن دانشجو شده است. یکی دیگر از اصول نظریه‌های یادگیری ارائه مطالب از «آسان به مشکل» است. با نگاهی به کتاب مشخص شده است که نحوه چینش فصول در هر بخش از آسان به مشکل بوده است، برای مثال در فصل اول از اصول پایه‌ای و نسبتاً آسان (البته در مقایسه با سایر فصول) به مشکل است. ابتدا نظریه افلاطون در مورد ادبیات ارائه شده و سپس نظرات ارسطو، شاگرد افلاطون، درج شده و نویسنده تدریجاً وارد مباحث پیچیده‌تری مانند نئوکلاسیک، نقد دوره رمانتیک و ویکتوریا، نقد مدرن و سرانجام نقدهای اخیر شده است. استفاده از جملات قابل فهم در پاراگراف به درک دانشجویان کمک کرده است. نویسنده از نقل قول‌های غیرمستقیم استفاده کرده و هر جا که نیاز بوده است از ارجاعات مستقیم نیز استفاده کرده و متن اصلی و متن منقول به درستی از یکدیگر تفکیک شده‌اند. نویسنده از پاورقی برای ارجاع و توضیح بیشتر مطالب استفاده نکرده و در نتیجه اطلاعات تکمیلی در اختیار دانشجویان قرار نگرفته است. نویسنده با ایتالیک کردن واژگان خاص مانند اسامی خاص و اشخاص متن کتاب را چشم‌نواز کرده است.

یکی از نقاط ضعف کتاب حاضر عدم ارائه بخش «واژگان تخصصی» در انتهای کتاب است. با توجه به مقطع دانشجویان که کارشناسی است، حضور این بخش می‌توانست میزان فهم دانشجویان از مطالب ارائه شده را افزایش دهد. اما نکته قوت اثر طبق نظر نویسنده آن است که برخلاف آثار مشابه از زبانی ساده و روان استفاده کرده است تا دانشجویان مخاطب در سطح کارشناسی مباحث پیچیده تاریخ نقد ادبی را درک کنند.

#### ۹. ماهیت تعاملی و توان انگیزشی

منصوریان معتقد است که نوشتن از جنس گفتن و خواندن از جنس شنیدن است. در واقع تعاملی میان ذهن نویسنده و خواننده وجود دارد. امروزه با پیشرفت فناوری‌هایی ارتباطی فرصت‌های گوناگونی در ارتباط با نویسنده ایجاد شده است، برای مثال سایت‌های علمی، پست‌های الکترونیکی و غیره در فضای مجازی. اگر یک کتاب چاپی پیوستی الکترونیک در محیط وب داشته باشد نه تنها نویسنده می‌تواند مطالب جدید را در آن به‌روزرسانی کند، بلکه خوانندگان می‌توانند سؤالات خود را در آن محیط منعکس کنند. حتی وجود یک آدرس ساده پست الکترونیکی می‌تواند به‌عنوان کانال ارتباطی بین نویسنده و خواننده عمل کند، به نحوی که بتوان به آسانی و با سرعت با خواننده ارتباط برقرار کرد. نظرات خوانندگان در نهایت بسیار ارزشمند است، چراکه براساس این نظرات می‌توان ویرایش



جدیدی از کتاب را به چاپ رساند. در کتاب *تاریخ نقد ادبی* تنها امکانی که مخاطب می‌تواند با نویسنده ارتباط برقرار کند همان سازمان «سمت» است. احمدی‌زاده هروی (۱۳۹۲) در پیش‌گفتار انگیزه خود از چاپ کتاب را مطرح کرده و همچنین ضرورت انتشار آن را برای دانشجویان مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات انگلیسی به روشنی به نگارش در آورده است. اما هیچ اشاره‌ای مبنی بر این که مخاطب چگونه می‌تواند با نویسنده ارتباط برقرار کند، نشده است. با توجه به شواهد موجود مشخص است که رویکرد این کتاب یک طرفه بوده و تعاملی نیست.

#### ۱۰. ویژگی‌های فیزیکی و توان انگیزشی

دو عامل «ظاهر» و «محتوا» در خواندنی شدن هر کتاب مؤثر است. بنابراین جدای از محتوای کتاب دانشگاهی، ویژگی‌های ظاهری کتاب را نباید از نظر دور داشت (ظفری و رحمانی، ۱۴۰۰). «شیرازه محکم و صحافی حرفه‌ای و طرح روی جلدی که هنرمندانه طراحی شده بر جذابیت کتاب می‌افزاید و مقبولیت و پذیرش آن را در بین مخاطبان کتاب افزایش خواهد داد» (منصوریان، ۱۳۹۲). طراحی زیبای جلد کتاب و رنگ مناسب آن در هر زمان می‌تواند مخاطب را به سوی مطالعه کتاب جلب کند (ظفری و رحمانی، ۱۳۹۲). همچنین جلد کتاب یکی از مواردی است که به شناسایی کتاب‌ها از یکدیگر منجر می‌شود. روی جلد کتاب، عنوان، نام نویسنده و یا ناشر نوشته می‌شود (نصر و همکاران، ۱۳۸۵). در نگارش عنوان و نام نویسنده در روی جلد کتاب *تاریخ نقد ادبی* از دو سایز متفاوت قلم استفاده شده است. با توجه به این که جلد کتاب در سایز وزیری است، به نظر می‌آید که سایز قلم عنوان برای این صفحه کوچک است. ویژگی ظاهری دیگر کتاب، رنگ جلد کتاب است. به گفته جمالی زواره و همکاران، (۱۳۸۷) رنگ جلدی مطلوب است که متشکل از سه رنگ یا بیشتر باشد. رنگ جلد کتاب حاضر قهوه‌ای زیتونی است و آرم انتشارات، نام نویسنده و عنوان کتاب به رنگ سفید است و آرم انتشارات در بافتی سفید در گوشه‌ای از جلد دیده می‌شود. همچنین خط سبزی در زیر عنوان کتاب کشیده شده است، که چندان به چشم نمی‌آید. طبق تعریف جمالی زواره و همکاران (۱۳۸۷) جلدی مطلوب است که متشکل از سه رنگ باشد، اما هر چند که جلد این کتاب از سه رنگ تشکیل شده است، اما رنگ قهوه‌ای زیتونی رنگ غالب است، به همین دلیل می‌توان گفت که رنگ جلد کتاب چندان جذاب نیست و نمی‌تواند در ایجاد حس شادی در

دانشجویان مؤثر واقع شود. در مورد وجود تصاویر از آنجایی که نظری منظم و موسوی (۱۳۹۵) معتقدند که «تصویر از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر فرایند یادگیری - یاددهی است»، می‌توان چنین نتیجه گرفت که یکی از نقاط ضعف این کتاب عدم وجود تصویر است.

حروف‌نگاری یکی دیگر از عوامل مهم جذابیت کتاب است. استفاده از حروف متفاوت در متن مانند نوع حروف، اندازه و رنگ حروف نه تنها که توجه دانشجو را به نکته اصلی متن جلب کرده بلکه در چشم‌نوازی صفحات مؤثر است (رضی، ۱۳۸۵). با توجه به بررسی به عمل آمده حروف در کتاب دارای اندازه‌های متفاوت هستند، اما رنگ متفاوتی دیده نمی‌شود. برای مثال عنوان‌ها با اندازه‌ای بزرگ‌تر و پررنگ‌تر نوشته شده‌اند. همچنین برخی از کلمات یا عبارت‌های مهم به صورت ایتالیک حروف‌نگاری شده‌اند. تفاوت در اندازه حروف و پررنگی کلمات تا حدی به جذابیت کتاب کمک کرده، ولی از آنجایی که از فونت‌ها و رنگ‌های متنوع استفاده نکرده است، کتاب ویژگی‌های لازم را ندارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

کتاب درسی دارای ویژگی‌های گوناگونی است. موفقیت نسبی هر کتاب درسی به چگونگی سازگاری بخش‌های مختلف کتاب با اصول کتاب‌های درسی دارد. در این پژوهش از اصول ده‌گانه منصوریان (۱۳۹۲) برای بررسی کتاب *تاریخ نقد ادبی* (۱۳۹۲) استفاده شده است. نتایج حاصل از مطابقت این اصول ده‌گانه را می‌توان به این صورت بیان کرد که در بررسی

(۱) «تخصص‌گرایی و هدفمندی موضوعی» مشخص شد که مطالب موجود در هر فصل کتاب با موضوع هر بخش مطابقت دارد و هدف هر فصل را دنبال می‌کند. در مقایسه با سایر کتاب‌های تاریخ نقد ادبی که مبسوط‌تر هستند می‌توان گفت که چینش مطالب در این کتاب چندان تفاوتی با کتاب‌های قبلی ندارد و نوآوری جدید از این لحاظ در آن دیده نمی‌شود. با توجه به سرفصل درس مربوطه، محتوای کتاب به روشنی ارتباط خود با حوزه تخصصی تاریخ نقد ادبی را حفظ کرده است. اما از ارائه بحث سبک‌شناسی با توجه به سرفصل درس تاریخ نقد ادبی و همچنین بحث فمینیسم در مقایسه با سایر کتاب‌های مشابه غافل مانده است. بنابراین نویسنده در پوشش مطالب تخصصی کتاب موفق عمل

نکرده و نیازهای مخاطبان کتاب را به طور کامل برآورده نکرده است؛ ۲) از نظر توان نظری و دلالت‌های کاربردی کتاب حاضر می‌توان گفت که نویسنده در بخش توان نظری تا حدود زیادی موفق بوده است، چرا که کتاب به مبانی نظری مرتبط با موضوع اشاره کرده است، اما در بخش دلالت‌های کاربردی نویسنده توجه کافی نداشته و فقط در انتهای هر فصل بخشی را به «سؤالاتی برای بحث بیشتر» اختصاص داده است؛ ۳) در مورد توان استنادی نویسنده تا حدی موفق بوده است، چرا که پاراگراف‌هایی در متن ارائه شده است بدون آن که اشاره‌ای به مرجع آن شده باشد. اما نکته قوت کتاب تاریخ نقد ادبی آن است که این کتاب ماهیت میان‌رشته‌ای دارد و می‌تواند در گرایش مترجمی زبان انگلیسی به عنوان کتاب درسی دانشگاهی مورد استفاده قرار گیرد؛ ۴) از نظر جامعیت و روزآمدی می‌توان گفت که کتاب فاقد جامعیت کافی در حوزه موضوعی خود است؛ ۵) کتاب مورد بحث نشان‌دهنده صلاحیت علمی نویسنده است، همچنین سابقه علمی او در حوزه ادبیات و نقد ادبی، صلاحیت او را تأیید می‌کند؛ ۶) تلاش نویسنده در حفظ اصل پاکیزگی نگارش و ادبی کاملاً مشهود است، اما با وجود این نویسنده به موفقیت کاملی دست نیافته است؛ ۷) در خصوص انسجام و یکدستی محتوایی و ساختاری می‌توان گفت که نحوه چینش بخش‌ها بر اساس ظهور منتقدان مختلف ادبی بوده است و فصل‌بندی‌های مطالب نیز از انسجام منطقی برخوردارند. نحوه ثبت آن دسته از منابع در متن کتاب و در انتهای فصل‌های کتاب آورده شده به صورت دقیق با روش MLA ثبت شده است. هر چند که مقیاس تعداد صفحات هر فصل نمی‌تواند مقیاس مناسب در سنجش وضعیت محتوای کتاب باشد، ولی نشان‌دهنده آن است که تناسب حجم مطالب ارائه شده مختلف به خوبی رعایت نشده است. میان اجزای خرد و جزئی مطالب هر فصل یا فصول یک بخش انسجام رؤیت می‌شود و هر فصل را می‌توان استمرار منطقی فصول قبلی دانست، اما کوتاهی نویسنده در ارائه بحث‌هایی مانند «سبک‌شناسی» و «فمینیسم» قابل اغماض نیست، همچنین یک‌دستی بخش‌ها به صورت کامل رعایت نشده است؛ ۸) از نظر منصوریان (۱۳۹۲) نگارش کتاب دانشگاهی بایستی بر پایه نظریه‌های یادگیری است. بررسی کتاب حاضر با توجه به نظریه «یادگیری اکتشافی» جروم برونر نشان داد که نویسنده در این امر موفق نبوده است، هر چند که در انتهای هر فصل سؤالاتی برای بحث بیشتر آورده و دارای ماهیت بین‌رشته‌ای است؛ ۹) کتاب دارای ماهیت تعاملی نبوده است، چرا که هیچ شیوه‌ای برای برقراری ارتباط با نویسنده پیشنهاد نشده است و مخاطب نمی‌تواند سؤالات خود را با

نویسنده در میان بگذارند تا در نهایت به رفع نواقص کتاب منجر شود؛ (۱۰) اگرچه مؤلفه‌های زیادی در بررسی ویژگی‌های فیزیکی و ظاهری کتاب در نظر گرفته شده است، یک بررسی اجمالی نشان می‌دهد که این کتاب در این مورد به صورت کامل موفق نبوده است، چراکه نویسنده می‌توانست در مورد بررسی و انتخاب رنگ جلد کتاب خلاقیت بیشتری از خود نشان داده تا جذابیت و مطلوبیت بیشتری نزد دانشجویان پیدا کند. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که کتاب *تاریخ نقد ادبی* (۱۳۹۲) که اصول ده‌گانه منصوریان (۱۳۹۲) را رعایت نکرده است و بازنگری دوباره کتاب مورد نظر از سوی سازمان «سمت» می‌تواند به رفع نواقص منجر شود تا در چاپ جدید دانشجویان بتوانند بهره بیشتری از این اثر ببرند.

### منابع

- آرمند، م.، همت، م.، رحمانی کینگری، م.، فهیمی فر، س.، بهروزی، ع.، طالب حقیقی، ف.، و زرقانی، م. (۱۴۰۰). شناسایی و اولویت‌بندی ملاک‌های ارزیابی کتب چاپی در حوزه علوم پزشکی. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۴۹، ۲۳۷-۲۷۲.
- آصف زاده، س. (۱۳۸۷). راهنمای آموزش بالینی برای دستیاران پزشک. قزوین: دانشگاه علوم پزشکی قزوین.
- احمدزاده هروی، ش. (۱۳۹۲). *تاریخ نقد ادبی*. تهران: سمت.
- امن‌خانی، ع. (۱۳۹۸). *تاریخ نقد ادبی معاصر در ترازوی نقد (نگاهی انتقادی به پژوهش‌های انجام‌شده درباره تاریخ نقد ادبی معاصر)*. ادبیات پارسی معاصر، ۱، ۵۹-۸۰.
- آلن، گ. (۱۳۸۵). بینامتنیت. ترجمه پ. یزادنجو. ویراست ۲. تهران: نشر مرکز.
- جمالی زواره، ب.، نصر، ا.، آرمند، م.، و نیلی، م. ر. (۱۳۸۸). تبیین معیارهای محتوایی تألیف و تدوین کتاب‌های درسی دانشگاهی رشته‌های علوم تربیتی، مشاوره و روان‌شناسی. سخن سمت، ۲۱، ۳۱-۴۹.
- رحمانی، ع.، و ظفرآبادی، ح. (۱۴۰۰). ارزیابی و نقد کیفیت کتاب صرف و نحو عربی اثر عباس ماهیار (براساس معیار ده‌گانه منصوریان). پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۴۸، ۱۶۰-۱۸۳.
- رضی، ا. (۱۳۸۵). *شاخصه‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاه*. تهران: سمت.
- رمضانی، ا. (۱۳۹۸). *ارزشیابی کتاب درسی و راهنمای معلم زبان‌آموزی و جمله‌سازی دانش‌آموزان ناشنوا/کم‌شنوا. کودکان استثنایی*، ۲، ۱۲۳-۱۴۲.
- زرین‌کوب، ع. ح. (۱۳۶۱). *نقد ادبی*. تهران: امیرکبیر.
- سید حسینی، ر. (۱۳۷۶). *نقد کتاب «مکتب‌های ادبی»*. تهران: نگاه.
- سیف، ع. ا. (۱۳۹۳). *روان‌شناسی پرورشی نوین*. ویرایش هفتم. تهران: دوران.
- عظیمی، ص.، و احمدزاده هروی، ش. (۱۳۹۷). به‌سوی تعریفی تازه از بدن: تحلیل مسئله بدن از فلسفه و جامعه‌شناسی تا ادبیات. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۴، ۸۶-۱۱۷.
- عابدی جزینی، م. (۱۳۹۹). جستاری در نقد کتاب تاریخ النقد الادبی فی الاندلس اثر محمد رضوان الدایه.

تقدنامه زبان و ادبیات عربی، ۲، ۱۲۵-۱۴۴.

محمودی، ف. (۱۳۹۱). طراحی الگوی برنامه درسی مبتنی بر مسئله در دوره کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی و اعتبارسنجی و امکان‌سنجیان در آموزش عالی ایران. رساله دکتری، تهران: دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات. مصوبات هفت صد و هفتمین جلسه شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۱۲.

ملکی، ح. (۱۳۰۱). برنامه‌ریزی درسی: راهنمای عمل. تهران: مدرسه.

منصوریان، ی. (۱۳۹۲). صد ویژگی کتاب‌های دانشگاهی کارآمد و اثربخش. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۲۹، ۱۷-۱.

نظری منظم، ه. و موسوی، س. ر. (۱۳۹۵). نقد و بررسی نقش آموزشی تصویر در کتاب‌های آموزش زبان عربی به غیر عرب‌زبان‌ها (بررسی موردی: کتاب تاریخ الادب العربی، اثر حنا الفاخوری). پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۳۹، ۲۶-۴۴.

Ahmadzadeh Heravi, Sh.. (2013). *A History of Literary Criticism*. SAMT: Iran.

Habib, M.A.R. (2011). *A History of Literary Criticism: From Plato to the Present*. Wiley-Blackwell: UK.

Arif, S. (2020). *Evaluating Textbooks and Their Potential for EFL Learning and Teaching: A Case Study*. Munich: GRIN Verlag.

Hall, V. (1963). *Short History of Literary Criticism*. New York University Press: USA.

Serasi, R., Fatimah, L., Hakim, M., & Arif, R. (2021). A Textbook Evaluation on English Textbook Entitled "Grow with English" used by Students of Minural Huda Bengkulu City. *Journal Al-Lughah*, 10, 22-31.

Tabatabaei Lotf, N., Ahmadzadeh Heravi, Sh., & Sokhanvar, J. (2013). Imaginary 'Homeland' and Constitution of a Collective Identity in Diasporic Experiences: An Analysis of The Hundred Secret Senses by Amy Tan. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 14, 385-396.